

## شیوه‌های آموزش به والدین کودکان چند معلولیتی

گردآورنده: مهدی مقنی آراتی / کارشناس گفتار و زبان / مجتمتع شهید فهمیده کاشان

### چکیده

این پژوهش پیرامون آموزش والدین کودکان چند معلولیتی است. از آنجا که والدین کودکان چند معلولیتی، مریبان ثابت کودک در طول زندگی هستند و می‌توانند با او ارتباط بهتری نسبت به دیگران برقرار کنند پس آموزش آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از طرف دیگر آموزش والدین کودکان چند معلولیتی سبب پیشرفت آموزشی، خوداتکایی، استقلال کودک و بالا رفتن امنیت خانواده می‌شود.

در این پژوهش به راهکارهایی که برای مشارکت هر چه بیشتر در جلسات آموزشی می‌شود، از جمله وجود برنامه ریزی دقیق، محیط مناسب، نظم، مشخص بودن موضوع جلسه، تکراری نبودن مطالب آموزشی، احترام به والدین و فرزندان معلول، برگزاری جلسات در زمان مناسب اشاره می‌شود. سپس به نیازهای خانواده‌های چند معلولیتی مانند نیاز به اطلاعات، ارتباط، حمایت، نیازهای مالی، اقتصادی و ... اشاره می‌شود. در پایان هم به شیوه‌های اجرایی کلاس‌های آموزش خانواده پرداخته می‌شود. مثل شیوه‌های نمایشی، استفاده از وسایل سمعی - بصری بحث گروهی، ارتباط غیر مستقیم، شورای خانه و مدرسه، بازدید از خانه، برنامه پورتج و ...

در بخش پیوست هم به تعداد دانش‌آموزان چند معلولیتی

در مجتمتع شهید فهمیده کاشان و سطح تحصیلات والدین آنها و نوع معلولیتشان اشاره شده است.

### مقدمه

خانواده یکی از نهادهای مهم و مؤثر در تکوین شخصیت و تربیت کودکان و نوجوانان است. چرا که خانواده از یک طرف زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و رشد جسمی، اخلاقی، اجتماعی کودکان و نوجوانان است و از سوی دیگر عاملی مؤثر در ایجاد فرهنگ تمدن بشری به شمار می‌آید.

اما دومین نهاد مؤثر در تکوین شخصیت و رشد بدنی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی انسان، مدرسه است. بنابراین دو نهاد مهم خانه و مدرسه باید در همه ی زمینه‌ها با هم هماهنگ باشند و برنامه‌های مدرسه و خانواده برای تعلیم و تربیت کودکان با همکاری و هماهنگی اجرا شوند. چرا که در غیر این صورت کسب نتایج مثبت از تعلیم و تربیت متصور نمی‌باشد.

### دیویی<sup>۱</sup> خانواده را جزء نظام مدرسه می‌داند.

از طرف دیگر با نگاهی به نتایج پژوهش‌های به عمل آمده در می‌یابیم که ارتباط خانه و مدرسه در تعلیم و تربیت نقش ارزنده‌ای دارد. به طوری که دیویی<sup>۱</sup> (۱۹۶۳) خانواده را

نظر می‌رسد و در جهت برگزاری آن باید به صورت جدی و علمی کوشش کرد و برای هرچه پربارتر کردن این کلاس‌ها باید پژوهش‌هایی صورت گیرد تا نقاط ضعف آن مشخص شده، اصلاح گردد؛ نقاط قوت آن هم تقویت شود.

**آنچه برای مدارس استثنایی حیاتی به نظر می‌رسد این است که بدون آموزش و همکاری والدین تقریباً تمام برنامه‌های آموزشی، پرورشی و توان‌بخشی کودکان استثنایی بی‌نتیجه خواهد ماند.**

در همین راستا ضمن تعریف، ارایه میزان و شوع کودکان چند معلولیتی به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها هستیم:

۱. چرا آموزش والدین کودکان چند معلولیتی ضروری است؟
۲. چه کنیم تا کلاس‌های آموزش خانواده کودکان چند معلولیتی با مشارکت بیشتر والدین روبه رو شود؟
۳. چه راه‌ها و روش‌هایی را برای آموزش والدین کودکان چند معلولیتی به کار ببریم تا آنها موفق‌تر عمل کنند؟

**تعریف**

همان‌طور که می‌دانیم کودکان استثنایی کسانی هستند که برای شکوفا شدن استعدادها بالقوه‌ای که از آن برخوردارند به آموزش و پرورش و خدمات ویژه‌ای نیاز دارند. آنها به این دلیل به چنین آموزش‌ها و خدماتی نیازمندند که در یک یا چند جنبه از جنبه‌های زیر با بیشتر کودکان تفاوت دارند. آنها ممکن است دچار مشکلاتی از قبیل:

کم توانی ذهنی، ناتوانی در یادگیری، نقایص جسمانی، نقص در سخن گفتن، آسیب شنوایی، آسیب بینایی و یا

جزء نظام مدرسه می‌داند و رامیرز<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) همکاری والدین را در تمام زمینه‌ها باعث نتایج مثبتی برای مدارس می‌داند. دوچرم<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) معتقد است که حتی پیشرفت نظام‌های آموزشی توانسته مانند تأثیر والدین بر آموزش مؤثر باشد. پژوهش‌های داخلی ( تیموری، ۱۳۷۶) نیز به این نکته اشاره دارند که والدین باید آموزش‌های لازم را ببینند. ( اکبری، ۱۳۸۳، ص ۳۲)

اما آنچه برای مدارس استثنایی حیاتی به نظر می‌رسد این است که بدون آموزش و همکاری والدین تقریباً تمام برنامه‌های آموزشی، پرورشی و توان‌بخشی کودکان استثنایی بی‌نتیجه خواهد ماند. به ویژه اگر کودک استثنایی چند معلولیت هم داشته باشد؛ چرا که ناشنوایی، نابینایی و یا کم‌توانی ذهنی هر یک به تنهایی مانع از رشد عادی کودک است و جمع این معلولیت‌ها با هم زمینه هرگونه ارتباط را به شدت محدود می‌سازد و مانعی برای تحقق کامل برنامه‌های آموزشی، توان‌بخشی و رشد قوای شناختی و ادراکی و زبانی کودک است. به طوری که چامپان<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) در زمینه پیشرفت دانش‌آموزان معلول ( نابینا ) می‌گوید: پیشرفت آموزشی این کودکان به میزان زیادی به تشویق والدین برای خوداتکایی و استقلال کودک، پذیرش عاطفی وی، ایجاد ایمنی و امنیت در خانواده و شناخت نیازهای ویژه کودک، بستگی دارد و یا شیردسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) دریافت که پیشرفت در زبان و مهارت‌های خودیاری در کودکان مبتلا به نشانگان داون به طور قابل ملاحظه‌ای با میزان و ماهیت تحریکی که در خانه فراهم آمده رابطه داشته است. (بازان به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۴۵)

لذا در مدارس استثنایی برای کلیه والدین به ویژه والدین کودکان چند معلولیتی آموزش خانواده جدی و ضروری به

شنوایی اش قادر به جبران اختلال حس دیگر نباشد. به عبارت دیگر نتواند مانند یک فرد ناشنوا یا نابینا عمل کند. (موللی، ۱۳۸۳، ص ۱۰)

### شیوع

به طور کلی آمار دقیق از وجود افراد و کودکان چند معلولیتی در دنیا وجود ندارد به طوری که در هندوستان تخمین زده‌اند ۲/۵ درصد از افراد این کشور فقط دچار نقص بینایی - شنوایی هستند (مقدسی، ۱۳۸۱، ص ۱۲) و یا در کشور انگلستان حدود ۲۳۰۰ نفر نابینا - ناشنوا وجود دارد؛ بعضی از آنها با نارسایی بینایی - شنوایی متولد شده‌اند و بعضی بعداً دچار این نارسایی شده‌اند. (خضری، ۱۳۸۳، ص ۴۸). اما طبق آماری که اداره آموزش و پرورش فدرال آمریکا از دهه‌ی ۱۹۵۰ تا آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ ارائه داده، حدود ۰/۶ درصد از کودکان استثنایی را دانش‌آموزان چند معلولیتی تشکیل داده‌اند (هالاها، ص ۵۵) و بعد طبق آماری که در سال ۱۹۷۸ منتشر شد کودکان ناشنوای چند معلولیتی ۹۷۸۷ نفر بیان شد که از این تعداد ۳۸۸ نفر فقط در ۲۰ مدرسه و یا کلاس خاص چند معلولیتی سرویس داده می‌شدند (کمب به نقل از نصیری، ۱۳۷۳، ص ۲۰).

طبق آماری که باز در سال ۱۹۸۵ منتشر شد، ۰/۲۲ درصد از کل دانش‌آموزان مدرسه رو را دانش‌آموزان چند معلولیتی تشکیل می‌دادند. (هالاها، ص ۵۶)

در ایران آمار دقیقی وجود ندارد ولی بد نیست بدانیم که از میان ۱۵۴ دانش‌آموز مدرسه استثنایی شهید فهمیده کاشان ۱۲ نفر از آنها چند معلولیتی هستند؛ این تعداد ۷/۸۰ درصد دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند؛ ۷ نفر از این دانش‌آموزان در دو کلاس خاص چند معلولیتی آموزش می‌بینند و بقیه در کلاس‌های دیگر (خاص کم توان و نابینا) می‌باشد مشغول

ناراحتی‌ها و آشفتگی‌های عاطفی باشند. (هالاها، به نقل از جوادیان، ص ۳۳)

اما با توجه به آنچه در مورد کودک استثنایی گفته شد می‌توان تعریف کودک چند معلولیتی را چنین بیان کرد: چند معلولیتی، به معنای نقص عضوایی به هم پیوسته است (مانند عقب‌ماندگی ذهنی همراه با نابینایی، عقب‌ماندگی ذهنی با ضایعات ارتوپدیک و ...) که ترکیب این نقایص باعث ایجاد مشکلات شدیدی از نظر آموزشی و تحصیلی می‌شود و نمی‌توان آن را با برنامه آموزشی که تنها برای یک نوع معلولیت تنظیم شده است تطبیق داد. (کمب به نقل از نصیری، ۱۳۷۳، ص ۱۸) در این صورت به نسبت شدت مشکلات دانش‌آموز ممکن است به آموزش در خانه یا بیمارستان هم احتیاج داشته باشد. در موارد خفیف دانش‌آموزی که بیش از یک نقص دارد می‌تواند در کلاس ویژه‌ای که بر مبنای ناتوانی اصلی او در نظر گرفته شده است شرکت کند (سیف، ۱۳۷۱، ص ۷۶).

طبق آماری که باز در سال ۱۹۸۵ منتشر شد، ۰/۲۲ درصد از کل دانش‌آموزان مدرسه رو را دانش‌آموزان چند معلولیتی تشکیل می‌دادند.

یکی از انواع کودکان چند معلولیتی، کودکان نابینا-ناشنوا هستند. ناشنوا - نابینایی معلولیت نادری است که گاه آن را به عنوان ترکیبی از دو اختلال حسی یا معلولیتی چند حسی می‌شناسند اما در واقع چیزی بیش از ترکیب ساده دو معلولیت شنوایی و بینایی است و هنگامی فردی را ناشنوا - نابینا می‌نامیم که هیچ یک از دو حس بینایی و

به تحصیل می‌باشند .

## اهمیت و ضرورت آموزش والدین کودکان چندمعلولیتی

آموزش والدین کودکان چندمعلولیتی و حمایت از نقش آنها به عنوان مربی و معلم کودکان به دلایل زیر ضروری است :

\* والدین و اعضای خانواده در واقع در طول زندگی کودک ثابت باقی می‌مانند ، در حالی که دیگران (معلمان) هر ساله تغییر می‌کنند و به همین علت والدین، معلمان طولانی مدت کودک محسوب می‌شوند.

\* اعضای خانواده و والدین معمولاً ارتباط بهتری نسبت به اعضای غیر فامیل با کودک برقرار می‌سازند که این می‌تواند به بالاترین قابلیت‌ها و شناسایی کودک منجر شود و احساس رضایت مندی بیشتری به والدین بدهد.

\* شرکت موفقیت‌آمیز والدین در فعالیت‌های آموزشی و کسب اطلاعات در مورد کار با فرزند معلولشان می‌تواند احساس شایستگی و کنترل آنها را در برخورد با کودکان بالا ببرد . (مفیدی ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۲)

\* والدین به خصوص مادران در تفهیم مسایل آموزشی و اجتماعی از علاقه ، انگیزه ، صبر و تأمل بیشتری بهره مندند .

\* والدین از ویژگی‌های فردی کودکان بیش از مربیان آگاهی دارند.

\* فرصت تعامل با کودک در خانه ، برای والدین و برای هر کودک بیش از فرصت مربی در تعامل با چند کودک است .

(جویباری ، ۱۳۷۲ ، ص ۱۴)

\* بسیاری از نارسایی‌های کودکان به سبب ناآگاهی و عدم آموزش اولیای آنهاست.

\* آموزش صحیح به والدین می‌تواند از تولد بسیاری از کودکان استثنایی (چند معلولیتی) جلوگیری به عمل آورد (پاکزاد ، ۱۳۷۶ ، ص ۵۶).

\* آموزش خانواده می‌تواند سبب آگاهی والدین در مورد مسایل رشد و پرورش کودکان و توجه به نیاز آنها از جهات مختلف معنوی، روانی، عاطفی، اجتماعی و بهداشتی شود .

\* ایجاد ، تقویت و تحکیم رابطه صمیمی بین اولیا و مربیان از یک طرف و فرزندان از طرف دیگر شود .

\* آشنایی والدین با مؤسسات و نهادهایی که می‌توانند به این کودکان کمک کنند.

\* برگزاری جلسات آموزش خانواده نقش بسیار مهمی در ارایه‌ی مهارت‌های مورد نیاز والدین و نیز نظام آموزشی این کودکان دارد.

\* جلسات آموزش خانواده سبب تبادل آرا و عقاید بین والدین این کودکان و تقویت رابطه خانه و مدرسه می‌شود . (پازان به نقل از بیابانگرد ، ۱۳۷۶ ، ص ۲۳-۱۴)

### شرکت موفقیت‌آمیز والدین در فعالیت‌های

آموزشی و کسب اطلاعات در مورد کار با فرزند معلولشان می‌تواند احساس شایستگی و کنترل

آنها را در برخورد با کودکان بالا ببرد .

از سوی دیگر جلسات آموزش خانواده ، افسردگی مادران استثنایی را که بیشتر از سایرین است کاهش می‌دهد و همین باعث کارآمد شدن تعامل‌های مادر و کودک شده ، از طرفی باعث افزایش رشد کلامی (خزانه واژگانی، معنا شناسی، کاربرد شناسی و دستور) می‌شود.

دوست دارند مسایل مربوط به رشد عاطفی و اجتماعی فرزندشان نیز مطرح شود (پازان به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۲-۱۳).

۷. به کار نبردن اصطلاحات علمی مربوط به روان‌شناسی آموزش و پرورش کودکان چند معلولیتی که به کارگیری اصطلاحات تخصصی و عرضه محتوای علمی گسترده و پیچیده بتدریج زمینه‌های افت انگیزه والدین را در جلسات فراهم می‌سازد (جویباری، ص ۶۷).

۸. تکراری نبودن مطالب و دسترسی به اطلاعات جدید مناسب و کاربردی (خاتم ساز، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

۹. توجه دقیق به صحبت‌های والدین و طرح پرسش‌های تسهیل کننده از سوی مربیان آموزش خانواده  
۱۰. داشتن اطلاعات لازم و کافی مربیان آموزش خانواده درباره‌ی سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و انجمن‌هایی که به این کودکان می‌توانند کمک کنند (سیف، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

۱۱. نپرداختن به مسایل اقتصادی و مالی مدرسه  
۱۲. برگزاری جلسات در زمان مناسب (که به نظر بیشتر والدین شب‌ها و ایام تعطیل مناسب‌ترین زمان است) به طوری که از حضور ۱۶ درصد والدین در صبح به ۶۸ درصد در بعد از ظهر افزایش یافته است (پازان به نقل از بیابانگرد، ص ۵۱).

۱۳. انتقاد نکردن، طعنه نزدن، تهدید نکردن والدین در جلسات آموزش خانواده (اهون به نقل از نظری تژاد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷).

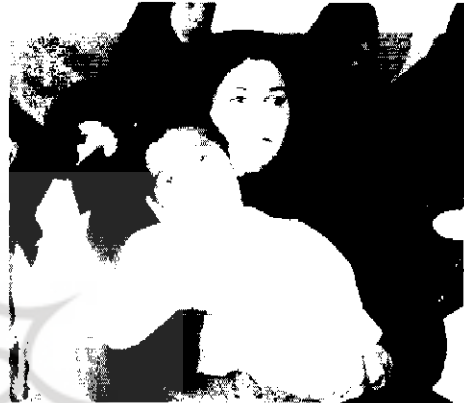
۱۴. رفتار همراه با احترام با والدین و فرزندان معلول آنها

۱۵. کوشش در حفظ مسایل خصوصی و محرمانه

۱۶. صداقت با والدین در مورد آنچه که شما (مربی) و

از طرف دیگر والدین کودکان چند معلولیتی نسبت به والدین کودکان عادی در معرض فشار روانی بیشتری قرار دارند که آرایه‌ی خدمات از طریق آموزش والدین می‌تواند سبب کاهش فشار روانی در والدین این کودکان شود. (زاهدی، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

\* آموزش خانواده سبب درس گرفتن از والدین و کودکان معلول برای مربی هم می‌باشد. (اهون به نقل از نظری، ۱۳۷۶، ص ۹۴)



### راه‌هایی برای جذب مشارکت والدین در جلسات آموزش خانواده

برای مشارکت هر چه بیشتر والدین در جلسات آموزش خانواده این راهکارها پیشنهاد می‌شود:

۱. برنامه‌ریزی دقیق وجود داشته باشد.
۲. موضوع و محورهای جلسه از قبل به آنها اعلام شود.
۳. سالن و محیط فیزیکی مناسب باشد.
۴. جلسات سرد، خشک و تشریفاتی نباشد.
۵. جلسه از نظم کافی برخوردار بوده و سر ساعت وعده داده شده شروع و پایان یابد.
۶. در جلسات فقط مسایل آموزشی مطرح نشود که این خود سبب نارضایتی والدین می‌شود، آن‌ها بیشتر

و مسوولیت‌های خود را بشناسد. لذا متخصصان و مربیان می‌توانند با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون ارتباط با والدین نظیر تماس تلفنی، دیدار در خانه یا ملاقات در دفتر کار یا درمانگاه، مسأله مشارکت را سهل و آسان کنند. بنابراین متخصصان باید در رشد مهارت‌های ارتباط شامل مهارت‌های گوش دادن و بیان کردن بکوشند (کمب به نقل از نظری نژاد، ص ۹۹).

۲) نیاز به اطلاعات: والدین دانش‌آموزان چند معلولیتی به اطلاعاتی در زمینه‌ی مراقبت، پرورش و رفتار با فرزند خود نیاز دارند و در امر برنامه‌ریزی برای آینده فرزندشان نیازمند اطلاعات می‌باشند که اطلاع‌رسانی برای رفع این نیازها از مهم‌ترین ضروریات است (قصه، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

۳) نیاز به حمایت شدن: بسیاری از والدین کودکان معلول در مقطعی از زمان به مشاوره حمایتی نیاز دارند چرا که حمایت شدن از جانب دیگران از عوامل ایجاد سازش یافتگی در خانواده است؛ به ویژه حمایت از جانب متخصصان و مربیان می‌تواند فرصت‌هایی را برای ملاقات با سایر خانواده‌های کودکان معلول به وجود آورد (قصه، ص ۱۵).

بنابراین تمام والدین باید از زمان تشخیص معلولیت از مشاوره حمایتی برخوردار شوند چرا که هدف اولیه این نوع مشاوره، راهنمایی والدین به سمت کسب تجربه و کنترل حوادثی است که در زندگی خود آنها و فرزندشان، احتمال وقوع دارد و مشاوره حمایتی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا برای رفاه خود به صورتی مثبت و با اعتماد بیشتر اقدام کنند. (سرشگی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹)

۴) نیازهای مالی - اقتصادی: بخش عمده بودجه خانواده صرف هزینه‌های مربوط به خوراک، پوشاک و وسایل کمک‌آموزشی می‌شود. این نیازها برای خانواده‌ای که معلول

سازمانتان می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد

۱۷. مربیان آموزش خانواده کودکان چند معلولیتی، خانواده‌ها را براساس عضو معلول هر خانواده شناسایی نکند / بلکه تک تک افراد را بشناسد (اهون به نقل از نظری نژاد، ص ۱۳).

### آموزش خانواده سبب درس گرفتن از والدین و کودکان معلول برای مربی هم می‌باشد.

#### نیازهای خانواده کودکان چند معلولیتی

هر خانواده به تناسب کودک معلول خود نیازهای ویژه‌ای دارد. امکان دارد خانواده‌ای به تازگی از معلولیت کودک خود آگاه شده باشد و یا در برابر معلولیت فرزندش دچار تنش شده باشد که در نتیجه برای رفع هر دو مشکل نیازمند کمک و اطلاع‌رسانی است. در کل والدین کودکان استثنایی، برای یافتن مراکز آموزش ویژه مراقبت روزانه و مراکز درمانی نیازمند کمک می‌باشند. آنها گاهی در مورد آینده کودک خود نگران هستند و نیاز به خدمات شغلی و حرفه‌ای مناسب دارند. برای ایجاد رابطه مناسب با کودک معلول خود نیاز به مشاوره دارند که این مشاوره‌ها و آموزش‌ها به نوع، شدت معلولیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سن کودکانشان بستگی دارد. نیز در زمینه رفتار سازشی به اطلاعات و مهارت‌های ویژه‌ای نیاز دارند که مهمترین آنها به شرح زیر است:

۱) نیاز به ارتباط: نیاز عمده والدین کودکان چند معلولیتی در طی سال‌های مدرسه، ارتباط با معلمان، مربیان و متخصصان است. چرا که آنها نیاز دارند از خدماتی که متخصصان می‌توانند ارائه دهند مطلع باشند و باید حقوق

حل مشکلات آموزشی، تربیتی فرزندان، زمینه‌های تحول آنان را فراهم کنند.

ما در زیر به برخی از روش‌هایی که می‌توان برای آموزش خانواده به کار گرفت اشاره می‌کنیم:

طبق پژوهشی که اکبری در سال ۱۳۸۰ در شیراز انجام داده است، این روش‌ها را که خود والدین کودکان معلول برای کلاس‌های آموزش خانواده پیشنهاد می‌کنند عبارت می‌داند از:

✿ نمایش برنامه‌های تربیتی در رادیو و تلویزیون

✿ بحث گروهی در کلاس به جای متکلم وحده بودن مدرس کلاس

✿ استفاده از متخصصان علوم تربیتی برای تدریس در کلاس‌ها. (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۳۴)

همچنین به روش‌هایی چون حل مسأله، سخنرانی، روش تجربی، مشاهده، نمایش، گردش و بازدید و پرسش و پاسخ می‌توان اشاره کرد. (جویباری، ۱۳۷۲، ص ۶۴)

علاوه بر روش‌های فوق، متخصصان آموزش خانواده می‌توانند از شیوه‌های گوناگون ارتباط نظیر تماس تلفنی، دیدار در خانه یا ملاقات با والدین کودکان چندمعلولیتی در دفتر کار یا درمانگاه، مسأله آموزش را پیگیری و ادامه دهند. (نظری، ص ۹۹)

یکی دیگر از شیوه‌ها را می‌توان جلسات مشترک برای مادران و کودکان معلولشان و جلسه مشترک بین انجمن‌هایی که با کودکان و والدین کودکان معلول همکاری دارند، بر شمرد.

یکی دیگر از روش‌ها، شیوه ارتباط مستقیم است. تعجب‌آور نیست که والدین ترجیح می‌دهند تا ارتباطشان با مدرسه نسبتاً غیر مستقیم باشد تا رسمی. آنها بیشتر بر این

دارد و نیازمند خدمات پزشکی ویژه نیز می‌باشد به مراتب شدیدتر است.

۵) نیاز به راهنمایی در وظایف زندگی خانوادگی: والدین و سایر اعضای خانواده نیاز دارند که ناتوانی کودک خود را درک کنند و بپذیرند که تقسیم کار، توانایی حل مسأله، فعالیت‌های تفریحی، اکتساب مهارت اجتماعی و نظارت در امر برنامه‌ریزی آموزش کودک از جمله وظایف ما می‌باشد. (قصبه، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

۶) نیاز به مشاوره تحصیلی: مربیان آموزش خانواده علاوه بر فراهم کردن نیازهای بالا، باید آنها را در آشنا کردن با احساس‌های خود و مشکلاتی که معلولیت کودک برای خانواده ایجاد کرده یاری دهند. همان‌طور که می‌دانیم والدین کودکان چندمعلولیتی امکان دارد احساس‌های مختلفی نسبت به خود و کودک داشته باشند، مانند انکار کردن، سرزنش کردن، طرد کردن، احساس گناه و خجالت. مربیان می‌توانند والدین را به گروه‌های خاص هدایت کنند تا آنها بتوانند بفهمند که تنها نیستند و دیگران هم سعی کرده‌اند راهکارهایی برای غلبه بر این احساس‌ها طرح کنند. (سرشگی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵-۱۶۲)

**والدین دانش‌آموزان چند معلولیتی به اطلاعاتی در زمینه‌ی مراقبت، پرورش و رفتار با فرزند خود نیاز دارند**

### شیوه‌های آموزش به والدین

شیوه‌های مختلف آموزش به والدین سبب می‌شود تا آنها بتوانند با کودکانشان ارتباط مؤثر برقرار کنند تا مهارت عملی مورد نیاز زندگی با کودک را فراگیرند و با کسب توانایی

زیادی می‌برند. به ویژه پیشرفت در رشد زبان کودک معلول قابل توجه بود. بسیاری از والدین از یادگیری و رشد کودکان خود آگاه‌تر شده و این نظر بیشتر غالب بود که ملاقات‌کننده خانه باید یک معلم باشد.

### یکی از روش‌هایی را که می‌توان برای آموزش

والدین کودکان چندمعلولیتی به کار برد ،

روش بازدید از خانه توسط معلمان است .

در سال‌های اخیر برای تشویق و حمایت والدین در مهارت‌های آموزشی برای کودکانشان طرح‌های مشارکتی کمک در خانه به اجرا در آمده است که می‌توان به دو برنامه اشاره کرد . یکی « برنامه پورتج »<sup>۴</sup> است که عمدتاً معطوف به ناتوانایی‌ها، معلولیت‌ها یا مشکلات رشدی است و دیگری برنامه « همراه خوانی » که برای تکمیل آموزش خواندن در مدرسه طراحی شده است .

« برنامه پورتج » مشتمل است بر فعالیت مشترک معلم و والدین در خانه برای کمک به کودک در به دست آوردن مهارت‌های خاص یک راهنمای درسی به صورت صندوقی که حاوی یک کارت برای هر قدم در یک فهرست رشدی است و به صورت منبع اطلاعاتی بی معلم و والدین برای چگونگی ادامه کار در می‌آید. این برنامه نقش طبیعی والدین را به عنوان آموزش‌دهنده و ترغیب‌کننده حمایت می‌کند و در پاسخ به نیازها و سبک‌های مختلف آموزش انعطاف‌پذیر است ( نصیری ، ص ۲۸۵ ) .

**روش «همراه خوانی» :** این روش مشتمل بر خواندن

همزمان والد و کودک در مراحل اولیه است ؛ سپس کودک به سمت مستقل خواندن پیش می‌رود و هر گاه به کلمه‌ای

مسئله تأکید دارند که فرصت‌هایی باید وجود داشته باشد تا به گونه‌ای راحت در مورد پیشرفت کودکان معلولشان در مدرسه صحبت کنند. در چنین شرایطی ، آنها احساس آرامش بیشتری می‌کنند تا مثلاً در یک جلسه رسمی که ممکن است نگران دانش خود از تعلیم و تربیت، طبقه‌بندی اجتماعی‌شان یا ارزیابی نظرات خود در جمع باشند (بازان به نقل از بیابانگرد ، ص ۴۷).

- تمپلتون<sup>۶</sup> ( ۱۹۸۹ ) از شورای خانه و مدرسه که در مدارس لندن تشکیل شده اند به عنوان یک کارکرد بسیار مهم یاد می‌کند و می‌گوید این شورا هفت کارکرد اساسی دارد: محلی برای تبادل آرا و عقاید ، تحکیم رابطه والدین و معلمان راهنما، ایجاد ، تحکیم و تقویت رابطه خانه و مدرسه ، بحث و بررسی در مورد فعالیت‌های مفید مدارس و دیگر مدارس و استفاده از آنها، کمک در برنامه‌ریزی درسی و استفاده بهینه‌تر از مهارت‌های والدین ( بازان به نقل از بیابانگرد ، ص ۵۱).

از آنجا که این روش ، دارای کارکردهای فوق می‌باشد می‌توان به عنوان یک روش برای آموزش والدین کودکان چند معلولیتی استفاده کرد .

یکی از روش‌هایی را که می‌توان برای آموزش والدین کودکان چندمعلولیتی به کار برد ، روش بازدید از خانه توسط معلمان است. این روش از آنجایی که بیشتر والدین کودکان چندمعلولیتی دارای مشکلات خاص خود از جمله عدم آشنایی با مزایای آموزش خانواده و سطح تحصیلات پایین<sup>۷</sup> خانواده هست و والدین فرصت به مدرسه آمدن را پیدا نمی‌کنند، به نظر روش مفید می‌آید. چرا که هرست<sup>۸</sup> و هانن<sup>۹</sup> (۱۹۹۰) دریافتند که معلمان، والدین، معلمان ارشد و دیگر کارکنان همگی احساس می‌کنند که کودکان از بازدید از خانه بهره



به آنها به اضافه‌ی تدریس مهارت‌های قدرت بیان با بهره‌گیری از روش‌های آموزنده، الگوسازی و اجرای راهبردهای مربوطه است. متخصصان می‌توانند از این طریق دانش و مهارت‌های مورد نیاز والدین را به آنها منتقل کنند و به آنها اختیار دهند برای مراقبت از فرزند معلولشان وظیفه خود را با کارایی هر چه بیشتر به انجام رسانند (اهون به نقل از نظری، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹ - ۲۰۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در مورد اهمیت آموزش والدین ذکر شد به نظر می‌رسد باید جلسات آموزش والدین را به طور مرتب و منظم برقرار کرد؛ چرا که این جلسات نقش بسیار مهمی در ارایه‌ی مهارت‌های مورد نیاز والدین و آگاهی از مسایل رشد کودک در تمام زمینه‌ها به دنبال دارد. ولی متأسفانه با آن که هر ماه یکی دو جلسه ویژه آموزش خانواده کودکان چندمعلولیتی در مدارس برگزار می‌شود هنوز والدین دچار استرس در نگهداری و مراقبت از فرزندان معلول خود هستند. لذا بر ما مربیان آموزش خانواده است که جلسات را بیشتر مورد نقد و بررسی قرار دهیم و در جلسات نه تنها به مسایل آموزشی بلکه به مسایل رفتاری، اجتماعی، عاطفی و حمایتی کودکان چندمعلولیتی هم توجه کنیم.

برخورد می‌کند که نمی‌تواند آن را بیان کند توقف می‌کند (پازان به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۵۶، ۵۱).

### شیوه های مختلف آموزش به والدین سبب می‌شود تا آن ها بتوانند با کودکان ارتباط مؤثر برقرار کنند .

### برنامه‌های ارتباط والدین : که در آمریکا تاسیس

شد یکی دیگر از راه ها و شیوه های آموزش خانواده است که در این روش سرویس دهی و آموزش به والدین کودکان معلول را والدین داوطلبی که خود دارای فرزند معلول هستند برعهده دارند که معمولاً این مراکز از طریق یک خط تلفن به ارایه خدمات مشغولند . در این روش والدینی که مایل به ایجاد ارتباط هستند به وسیله تلفن با مؤسسه مورد نظر تماس می‌گیرند و از حمایت پدر یا مادری که خود صاحب فرزند می‌شوند معلولیت مشابه است برخوردار می‌شوند.

نوعی آموزش گروهی برای والدین که اخیراً شکل گرفته، برنامه‌های آموزش مهارت‌های حمایتی به پدران و مادران است که این برنامه‌ها شامل ترکیبی از مشارکت‌های نیروهای تخصصی و والدین در مورد منابع موجود و نحوه‌ی دسترسی

### زیر نویس ها:

\* که در بیوست سطح تحصیلات خانواده کودکان چند معلولیتی مجتمع شهید فهمیده خواهد آمد.

- |            |                |                      |
|------------|----------------|----------------------|
| 1. Dewey   | 4. Chapman     | 7. Hirst             |
| 2. Ramirez | 5. Shepperdson | 8. Hannon            |
| 3. Ducharm | 6. Templeton   | 9. Protage Programme |

## منابع:

- ادیب سرشگی، نرگس (۱۳۸۰)، *کودکان استثنایی (خانواده و مشاوره)*، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی .
- اکبری ، رستم (۱۳۸۳) ، بررسی و مقایسه نگرش والدین و معلمان کودک استثنایی در باره‌ی سودمندی کلاس‌های آموزش خانواده در شهر شیراز ، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی ، شماره ۳۱ ، صص ۳۱-۳۴ .
- پاکزاد ، محمود (۱۳۷۶) ، *کودکان استثنایی* ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- پازان ، موریس (۱۳۹۶) ، *روش‌های ایجاد ارتباط بین اولیا و مربیان* ، ترجمه اسماعیل بیابانگرد (۱۳۷۶) ، انتشارات پرینان .
- خضری، آناهیتا (۱۳۸۳) ، *افراد نابینا - ناشنوا چگونه ارتباط برقرار می‌کنند* ، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی ، شماره ۳۴ ، صص ۴۸-۵۱ .
- سیف نراقی ، مریم و نادری ، عزت... (۱۳۸۰) ، *فشار روانی و والدین کودکان معلول* ، همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی
- سیف نراقی ، مریم و نادری ، عزت... (۱۳۷۱) ، *دانش آموزان استثنایی* ، انتشارات امیر کبیر .
- قصه ، ازیثا (۱۳۸۴) ، *بررسی و مقایسه نیازهای والدین دانش آموزان نابینا و ناشنوا و عادی* ، تعلیم و تربیت استثنایی ، شماره ۴۴ ، صص ۱۲-۱۷ .
- کاکوجویاری ، علی اصغر و ظاهری ، ویدا (۱۳۷۲) ، *راهنمایی های آموزشی و مشاوره با والدین کودکان مبتلا به نقص شنوایی* ، انتشارات تربیت .
- کعب ، باب و بالدوین، ویکتور ، *دانش آموزان چند معلولیتی با نقص شنوایی* ، ترجمه زهرا نصیری (۱۳۷۳) ، انتشارات آستان قدس رضوی .
- مفیدی ، فرخنده (۱۳۷۶) ، *آموزش خانواده* ، مؤسسه انتشاراتی سرآمد کاوش .
- مولی، گیتا (۱۳۸۳) ، *معلولیت ناشنوایی - نابینایی* ، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره‌های ۳۹-۳۸ ، صص ۱۷-۱۰ .
- هالاهاان ، دانیل پی ، کافمن ، جیمز . ام ، *کودکان استثنایی* ، ترجمه مجتبی جوادیان (۱۳۷۸) ، انتشارات آستان قدس رضوی .
- اهون بی ، گری (۱۹۹۴) ، *مشاوره با پدران و مادران کودکان استثنایی* ، ترجمه محمد حسین نظری نژاد (۱۳۷۶) ، آستان قدس رضوی .

## پیوست :

مجتمع شهید حسین فهمیده در سطح شهرستان کاشان پذیرای دانش آموزان نابینا ، کم توان ذهنی و چند معلولیتی است که طبق آمار سال (۱۳۸۴-۱۳۸۳) حدود ۱۵۴ نفر دانش آموز استثنایی در این مجتمع مشغول به تحصیل بودند ؛ از این تعداد ۱۲ نفر چندمعلولیتی بودند که در حدود ۷/۸۰ درصد دانش آموزان را تشکیل می‌دادند . از این تعداد ۵ نفر دختر (۴۱/۷ درصد) و ۷ نفر پسر (۵۸/۳ درصد) بودند.

تعداد دانش آموزان نابینا- ناشنوا یک نفر بود (۸/۳ درصد) و دانش آموزان کم توان ذهنی - جسمی حرکتی ۶ نفر بوده اند (۵۰ درصد) و دانش آموزان کم توان ذهنی نابینا ۵ نفر بوده است (۴۱/۶ درصد) بودند .

و از نکات جالب توجه این که سطح تحصیلات همه والدین پایین تر از سیکل بود . به طوری که ۳۳/۳ درصد مادران بی‌سواد ، ۵۸/۳ درصد سواد ابتدایی و ۸/۳ درصد سطح سیکل بودند.

اما سطح سواد پدران این دانش آموزان ۲۵ درصد بی‌سواد ، ۴۱/۶ درصد سواد ابتدایی و ۳۳/۴ درصد در سطح راهنمایی سواد داشتند.